

آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری



نقل از شماره ۱۵۰۲۲ - ۱۳۷۵/۷/۷

روزنامه رسمی

شماره ۸ / ۱۳۷/۷۴ ۱۳۷۵/۵/۱

تاریخ ۷۴/۱۲/۱۲ شماره دادنامه ۲۰۳ کلاسه

پرونده ۱۳۷/۷۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: خانم نیله یا کوگورگیز.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و سیزدهم دیوان عدالت اداری
مقدمه: الف - شعبه سیزدهم در رسیدگی پیرونده کلاسه ۷۲۹/۶۴ موضوع شکایت آقای بهمن خسروی بطرفیت سازمان زمین شهری نقده به خواسته اعتراض به لغو مالکیت زمین طی دادنامه شماره ۸۹-۶۷/۳/۱۱ چنین رأی صادر نموده است:

مالکیت اولیه شاکی نسبت به قطعه زمینی از پلاک ۱۹۸ اصلی واقع در نقده مرزعه جهان موضوع رأی شماره ۱۵-۵۹/۳/۳ هیأت ۵ نفره قانون عمران اراضی شهری محرز و مسلم و اقدامات انجام شده طبق مقررات قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و حسب آئین نامه اجرایی آن صورت گرفته است. نظریه اینکه مقررات مرقوم صرفاً ناظر به اراضی موات واقع در محدوده شهرها و بیشتر از نصاب مقررده بوده است و نیز برابر نظریه شماره ۷۴۹-۵۹/۱۱/۱۴ فقهای محترم

شورای نگهبان ضوابط تعیین زمین موات پیش بینی شده در شقوق ۹ گانه ماده ۲ آئین نامه اجرایی مرقوم بلحاظ مشمول به اراضی بایر و مسبوق به احیاء غیر شرعی و خلاف قانون اساسی و غیر قابل اجراء بوده که طبق رأی شماره ۸۰-۶۲/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است. بنا به مجموع مراتب فوق الاشعار شکایت وارد است و حکم بر ابطال اقدامات کمیسیون مرقوم و سازمان عمران اراضی وقت مشتکی عنه اعم از تصرف و لغو مالکیت و واگذاری مورد مالکیت شاکی از پلاک فوق صادر و اعلام می گردد.

ب - شعبه اول در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۸۵/۷۳ موضوع شکایت خانم نیله گورگیز بطرفیت سازمان زمین شهری شهرستان نقده بخواسته تقاضای رسیدگی و استرداد زمین زراعی و ابطال عملکرد زمین شهری بشرح دادنامه شماره ۷۸۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۵ چنین رأی صادر نموده است: بنا توجه به اینکه باجمیع جهات قانونی مورد اشاره زمین مذکور موات بوده، دعوی قابل رد است. شعبه باتوجه به اینکه از طرف خواهان مدرکی که مثبت موات نبودن زمین مزبور باشد ارائه نگردیده و صرف داشتن سند مالکیت دلیل بر موات نبودن زمین نمی باشد و

ابطال عملیات دولت باتوجه به اعمال ماده ۱۵ واگذاری به اشخاص نیاز به دلیل قاطع قانونی دارد و دادخواست شاکی مستند به مواد قانونی نبوده و صرف دعوی مزروعی بودن کفایت نمی نماید. لذا باین وضع رأی به رد شکایت صادر و اعلام می نماید.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و باحضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اتفاق آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

نظریه اینکه حسب مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان به شماره ۸-۶۲/۸/۹ بندهای ۲ و ۳ و ۱۵ آئین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی شهری ابطال گردیده است، لذا دادنامه شماره ۸۹-۶۷/۳/۱۱ شعبه سیزدهم که در محدوده رأی وحدت رویه فوق الذکر صادر شده، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است.
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری -
اسماعیل فردوسی پور

نقل از شماره ۱۵۰۲۲-۱۳۷۵/۷/۷
روزنامه رسمی

شماره ۱۰۷/۷۴/۵
تاریخ ۷۴/۱۲/۵ شماره دادنامه ۲۰۱ کلاسه
پرونده ۱۰۷/۷۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکس: مدیرکل کنسرسیوم راه آهن
جمهوری اسلامی ایران.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض
آراء صادره از شعب ۳ و ۱۶ دیوان عدالت اداری
مقدمه: الف - شعبه سوم در رسیدگی به
پرونده کلاسه ۱۲۰۰/۷۲ موضوع شکایت
آقای عزیزاله شیرمحمدی به طرفیت راه آهن
جمهوری اسلامی ایران به خواسته
۱- بخشودگی ۵۰ درصد مالیات منطقه محروم
۲- مرخصی سالانه بمدت ۴۵ روز ۳- افزایش
فوق العاده محل خدمت طی دادنامه شماره
۳۰۶-۷۴/۳/۳۱ چنین رأی صادر نموده است:
براساس نظریه شورای عالی مالیاتی تخفیف
مذکور در ماده ۹۲ قانون مالیات مستقیم شامل
شرکتهای دولتی منجمله شرکت راه آهن
جمهوری اسلامی نمی گردد در مورد
مرخصی سالیانه ۴۵ روز دستورالعملی به
شرکت واصل نشده و در مورد فوق العاده
محل خدمت تبصره ذیل ماده ۸۲ آئین نامه
استخدامی شرکت راه آهن مصوب ۶۹/۱۲/۱
اشعار داشته: تا زمانی که دستورالعملهای
مربوط به این آئین نامه به تصویب هیأت
مدیره نرسیده مقررات قبلی قابل اجراء
می باشد. بدین لحاظ فوق العاده مذکور لغایت
۷۰/۱۲/۳۰ براساس مقررات قبل به نامبرده
پرداخت شده است، تخلفی از مقررات و
ضوابط قانونی در اقدامات طرف شکایت
مشاهده نمی شود. فلذا شکایت شاکس غیر
وارد تشخیص و رأی به رد شکایت صادر
و اعلام می شود.

ب - شعبه شانزدهم در رسیدگی به
پرونده کلاسه ۹۷۲/۷۲ موضوع شکایت آقای

غلامعلی نیک رضا بطرفیت راه آهن
جمهوری اسلامی ایران به خواسته اجراء ماده
۹۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶
در باره ۵۰٪ بخشودگی مالیات حقوق بشرح
دادنامه شماره ۴۸۲-۷۴/۶/۱۴ چنین رأی
صادر نموده است: نظر به اینکه اولاً در ماده ۹۲
قانون مالیاتهای مستقیم معافیت مالیاتی
حقوق حقوق بگیران که در نقاط محروم
خدمت می نمایند و از ۵۰٪ معافیت مالیاتی
حقوق استفاده می نماید، هیچگونه اشاره ای به
این که فرد شاغل در شرکت دولتی محروم از
مزایای مذکور باشد ملاحظه نمی شود و
عبارت ۵۰٪ مالیات حقوق بگیران شاغل در
روستاها و همچنین در نقاط محروم و
دورافتاده کشور، به طور عام بکار برده شده
است و برابر تصویب نامه ۴۴۰۵۲/ت - ۲۵۰
مورخ ۶۸/۴/۱۴ هیأت وزیران و نامه شماره
۲۹۳۵-۷۲/۱۱/۲ - بخشرداری جوین
نیز ایستگاه نخ آب جزء دهستان محروم
از بخش جوین است و جزء مناطق محروم
کشور محسوب شده است. ثانیاً ماده ۴ قانون
محاسبات عمومی کشور نیز که در تاریخ
تصویب آن (سال ۶۵) قبل از تصویب قانون
مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ می باشد
نمی تواند چند سال قبل از تصویب قانون
مالیاتهای مستقیم فرد یا افرادی را که طبق
قانون اخیر مستحق استفاده از مزایای ۵۰٪
بخشودگی مالیات حقوق می باشد از حق
مذکور محروم نماید، در قانون و مقررات
استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲ نیز
چنین ممنوعیتی پیش بینی نگردیده و مشتکی
عنه نیز دلیلی بر ادعای خود در خصوص مورد
ارائه نکرده است، به خصوص که رأی شورای
عالی مالیاتی شماره ۳۰/۴/۱۱۹۳۴ مورخ
۶۹/۹/۵ نیز صراحتاً مقرر می دارد که طبق ماده
۹۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶
بطور کلی حقوق بگیران شاغل در
روستاها مشمول ۵۰٪ معافیت از پرداخت

سابقاً رئیس قراولان منزل او بوده، نمود و ضمن تجلیل
فراوان از او حساب نازمای با وی بازگرد و از آن تاریخ
ظاهراً خود را در زمره دوستان و معرمان نزدیک رضا
خان سردار سپه قرار داد. فرمانفرما مقادیر زیادی از
اراضی خود را واقع در منطقه باغشاه در اختیار سردار
سپه قرار داد که بعداً چندین گاخ در آن جا ساخته شد
و تعدادی فرش گرانبها برای گاخ اختصاصی فرستاد
و حکمت دهاوی خانم اشرف الملوک فخرالدوله خواهر
زاده خود را با میرزا کریم خان رشتی درباره مالکیت
قریه لشت نشاه به سردار سپه واگذار کرد و مبلغ بیست
و پنج هزار تومان حق الحکمت پرداخت. سردار سپه نیز
در مقابل کمکهای مالی فرمانفرما دوتن از فرزندان او را
(محمد ولی میرزا و عباس میرزا) به وکالت مجلس
رسانید. یک فرزندش را وزارت داد (نصرت الدوله)
و فرزند دیگری به نام محمد حسین و برادرزاده وی به
نام عبدالعزیز میرزا، با وجودی که جوان بودند و سابقه
زیادی در قشون نداشتند، با درجه سرتیپی در قشون
خود پذیرفت و به آن ها مشاغل حساس سپرد. حتی
سرتیپ عبدالعزیز فیروز برادرزاده او را به وزارت طرق
و ریاست ژاندارمری و مشاغل دیگر حساس گمارد.
سرتیپ محمد حسین فیروز نیز مقام فرماندهی لشکر
فارس را گرفت.

فرزندان فرمانفرما به مشاغلی که از طرف سردار سپه
و بعداً رضا شاه به آنها واگذار شد ارضی نبودند و علیه او
توطئه چیدند و شورش مشایر و ایلات فارس را به راه
انداختند که پایه های سلطنت شاه را لرزاند، ولی
ارتشیان شورش را خاموش کردند. نصرت الدوله در این
جریان مقصوب شد و به زندان رفت. سرتیپ فیروز از
ارتش اخراج گردید، ولی در همان موقع رضا شاه برای
فرمانفرما پسغام فرستاد که حساب فرزندانت
از تو جداست، راحت و آسوده باش!

در سال ۱۳۱۰ ش که ولیعهد پهلوی برای ادامه تحصیل
عازم اروپا بود، رجال و معارف برای خدا حافظی
و بدرقه ولیعهد در گاخ حضور یافتند: مستوفی الممالک،
و نسوق الدوله، عشیر الدوله، مستوفی الممالک، قوام
السلطنه، فرمانفرما، صاحب اختیار و همه بزرگان بودند.
مستوفی الممالک نطق کرد و فرمانفرما قلعدان و قرآن
خطی داد و تقاضا نمود اجازه داده شود جمشید یکی از
فرزندان او که هم سن ولیعهد بود همراه ولیعهد به
سوئیس رفته و بلا اتفاق ادامه تحصیل دهند. اما نه تنها این
پیشنهاد پذیرفته نشد، بلکه رضا شاه با لحن
تسخیر آمیزی گفت: می خواهی فرزند مرا خراب کنی!
نکات دیگری از زندگی شخصی فرمانفرما:
فرمانفرما تا سال ۱۳۱۵ ش با احتیاط کامل زندگانی
داخلی خود را ادامه می داد. رسیدگی به املاک و وسیع به
املاک وسیع و مستغلات متعدد و فرزندان زیاد واقفاً
محتاج تشکیلات عربی و طویلی بود، ولی او با چند
معاص و پیشکار تمام کارها را بدقت انجام می داد، تا

مالیات حقوق می باشند و رأی مذکور نیز به شماره ۳۵۸ قانون مرقوم برای کلیه مامورین وصول مالیات لازم الاتباع می باشد و علیهذا حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می شود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اتفاق آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت

با توجه به صراحت ماده ۹۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مبنی بر بخشودگی مالیات بر حقوق کارکنان و زارتخانه ها و مؤسسات دولتی شاغل در روستاها و نقاط محروم (طبق لیست سازمان برنامه و بودجه) به میزان ۵۰٪ و اینکه شرکتهای دولتی دارای ماهیت حقوقی متفاوت با وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی بوده و از مصادیق آنها محسوب نمی شود، لذا دادنامه شماره ۷۴/۳/۳۱-۳۰۶ شعبه سوم در خصوص عدم تسری بخشودگی مندرج در ماده اصلاحی مذکور به کارکنان شرکت دولتی راه آهن جمهوری اسلامی ایران موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اسماعیل فردوسی پور

نسقل از شماره ۱۳۷۵/۷/۷-۱۵۰۲۲

روزنامه رسمی

شماره ۱۹۹/۷۳/۸

تاریخ: ۷۴/۲/۹ شماره دادنامه ۱۴ کلاسه

پرونده ۱۹۹/۷۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: علی اسعدی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض

آراء صادره از شعب ۱۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۳۴/۷۱ موضوع شکایت آقای ذبیح اله جباری به طرفیت شورای عالی ثبت بخواسته بطلان رأی موضوع نامه شماره ۱۹۶۱ س ۲۱-۷۱/۳/۳۱ اداره امور اسناد طی دادنامه شماره ۱۰۰۴ مورخ ۷۲/۶/۱۵ تخلفی از قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها که رسیدگی به آن در محدوده ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری باشد تشخیص نداده و قرار رد شکایت شاکی را صادر نموده است.

ب - شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۱۵/۷۲ موضوع شکایت آقای علی اسعدی به طرفیت شورای عالی ثبت بخواسته اعتراض به رأی شورای عالی مزبور طی دادنامه شماره ۴۷۸-۷۳/۸/۱ چنین رأی صادر نموده است: اولاً برابر مقررات قانون ثبت اسناد و املاک آراء شورای عالی ثبت که با حضور دو نفر از قضات عالی رتبه دیوان عالی کشور صادر می شود برای ادارات تابعه ثبت اسناد به منزله قانون لازم الاتباع بوده و به استناد قانون ثبت اسناد در هیچ مرجعی دیگر قابل تجدیدنظر نخواهد بود. ثانیاً رأی شورای عالی ثبت تحت هیچ یک از عناوین مذکور در بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری ذکر نگردیده و لاجرم از شمول صلاحیت دیوان خارج است، از این رو بالحاظ اعتبار قانونی رأی یاد شده و خروج موضوع از اختیارات دیوان عدالت اداری شکایت نامبرده غیر مسموع و مردود اعلام می شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی:

با ملاحظه اینکه طبق تبصره ۲ از بند ۳ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، صرفاً تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضایی دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری و ارتش قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی باشد و با عنایت به اینکه آراء صادره از شورای عالی ثبت از جمله آراء دادگاهها و سایر مراجع قضایی دادگستری نمی باشد و شرکت قاضی در همان شورا، شورای مرقوم را از شمول دادگاههای اداری موضوع بند ۲ از ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری خارج نمی نماید، بنابراین دادنامه شماره ۱۰۰۴-۷۲/۶/۱۵ صادره از شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری که متضمن این معنی است مطابق موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی وفق ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری -

اسماعیل فردوسی پور

نسقل از شماره ۱۳۷۵/۷/۷-۱۵۰۲۲

روزنامه رسمی

شماره ۸۴/۷۴/۸

تاریخ: ۷۴/۸/۶ شماره دادنامه ۱۳۳ کلاسه

پرونده ۸۴/۷۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: نماینده وزیر و مدیرکل دفتر هماهنگی

هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان

وزارت جهاد سازندگی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض

آراء صادره از شعب ۲ و ۳ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه سوم در رسیدگی به

پرونده کلاسه ۱۲۷/۷۲ موضوع شکایت آقای

محمدتقی پورامیرزاده به طرفیت وزارت

جهاد سازندگی به خواسته فسخ رأی شماره

۷۲۲-۷۱/۹/۱۷ صادره از شعبه دوم هیأت

تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری بشرح

دادنامه شماره ۲۶۲-۷۳/۳/۱۹-۷۳/۳/۱۹ چنین رأی صادر نموده است: اولاً "نظریه اینکه تخلف و اتهام انتسابی به شاکی در رأی معترض عنه دو مورد بوده یکی اختلاس و دیگری اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی و اداری که در مورد اول چون واجد جنبه جزایی نیز بوده، موضوع در دادگاه کیفری مطرح و منتهی به صدور رأی برائت گردیده است و با این وصف تعیین مجازات اخراج از خدمت برای شاکی متناسب نبوده و بر رأی صادره از این جهت اشکال وارد می‌باشد. ثانیاً مطابق قسمت اخیر ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می‌نماید و ماده ۲۴ نیز در خصوص اصلاح یا تغییر آرای قطعی تعیین تکلیف نموده است بنابه مراتب شکایت شاکی از رأی شعبه دوم هیأت تجدیدنظر وارد تشخیص و با فسخ رأی مذکور رسیدگی مجدد به شعبه همعرض تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری وزارت جهاد سازندگی احاله می‌شود.

ب- شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۸۴/۷۲ موضوع شکایت آقای سیداحمد حوائجی بطرفیت وزارت جهاد سازندگی بخواسته فسخ رأی شماره ۱۴-۷۲/۲/۷ هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری طی دادنامه شماره ۷۶۱ مورخ ۷۳/۱۱/۱۸ چنین رأی صادر نموده است: باتوجه به متن دادخواست تقدیمی و منضمات و لایحه جوابیه و محتویات پرونده دادگاه محترم بعلمت عدم کفایت دلیل حکم بر تبرئه شاکی در مورد اختلاس صادر نموده و راجع به تخلفات اداری رسیدگی به آنها را آحاله به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نموده و هیأت بدوی تجدیدنظر به لحاظ اعمال و رفتار خلاف شئون اداری و شغلی و

هر نوع استفاده غیر مجاز از امکانات دولتی و اختلاس مستنداً به بند ۱۰ ماده ۱۰ قانون مزبور نامبرده رامحکوم به اخراج از محل خدمت نموده، لذا هرچند که مشارالیه در مورد اختلاس تبرئه حاصل نموده، لکن سایر موارد برای هیأت‌های رسیدگی احراز شده و به استناد بند مازالذکر نامبرده رامحکوم به اخراج نمود. بناء علیهذا و با عنایت به اوراق پرونده اتهامی تخلفی از اداره خوانده مشهود نیست و ایرادی به نظر نمی‌رسد و رأی بر رد شکایت صادر می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی:

مستنبط از مفاد ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۱/۴/۹ و قسمت اخیر ماده ۱۹ و همچنین ماده ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷ تجدیدنظر و رسیدگی مجدد در پرونده کارمندان متخلفی که تخلف آنان علاوه بر جنبه اداری واجد عنوان جرائم مندرج در قوانین جزایی نیز بوده و پس از رسیدگی مراجع قضایی رأی بربرائت آنان صادر می‌شود ضروری به نظر می‌رسد، علیهذا دادنامه شماره ۲۶۲-۷۳/۳/۱۹ صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری که مفهوماً مؤید این معنی می‌باشد با اکثریت آراء اصح الرایین تشخیص می‌شود. این رأی با استناد ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

این که نصرت الدوله دستگیر و به زندان منتقل گردید پس از چندی خبر مرگ همین پسرش را به او دادند. قبل از مرگ نصرت الدوله به آن از فرزندان دخترش که از بن خاتم عزت الدوله بودند در گذشته بودند و ولی مرگ نصرت الدوله چندان تأثیر بدی در روحیه او نگذاشت که نایب و توان خود را از دست داد و سرانجام مرگ فرزندی را تحمل نگذاشت و هر آینه ۱۳۱۸ هجری با یکی فرگشت.

عبدالعزیز فرزند پسر فرزند پسر پسر پسر پسر پسر آن هسته از شخصیت‌های متمصر به فرقه است که کمتر کسی شباهت به آنها دارد. او در هر گری راه فرات را پیموده است، چه در زندگی داخلی چه در جمع آوری مال و مکتب و چه در بازی سیاست و قبول مشاغل. یکی از ملاکین و متولیان درجه اول ایران بود. اصلاح وسیع وی در آذربایجان، کرمانشاه، کرمان، فارس، گویان، گرج و غیران قابل شگوش نبود. با داشتن حرم سرا و فرزندان متعدد، مع الوصف همه ساه پس از کسر مخارج میلی برادرانی او افزوده می‌شد. مایه‌ها نیز از اراضی اطراف پاشنه را از مظفرالدین شاه گرفت. بعد از قانون ثبت در ایران به مرحله اجرا آمد برای همه آنها سند صادر شد. باغ و خانه میلی برای سکونت خودش در آن اراضی بنیاد نهاد و برای هر یک از همسران خود نیز در آن بناهای ممتازی مجلل استوار ساخت.

جملاً صاحب ۳۶ فرزند شد. ۲۲ پسر و ۱۴ دختر. چهار فرزندی در زمان حیات خود او درگذشتند و صاحب آنکه در چهارتن از بن خاتم عزت الدوله بودند فرزند پسر پسر پسر و ۹ همسر صیغه داشت که بعضی اولاد نیاوردند. به تربیت و به تحصیل فرزندان خود توجه مخصوصی داشت. همه پسرانش تحصیلات خود را چه در زمان حیات پدر و چه پس از آن در دانشگاه‌های درجه اول فلان به اتمام رساندند و همه دخترهایش نیز تحصیل کرده بودند. از دواج فرزندان با نظر او انجام می‌گرفت برای نصرت الدوله دختر میرزا هدایت وزیر دفتر، برای سالار لشکر دختر رضا قلی خان نظام السلطنه، برای محمد ولی میرزا دختر قائم مقام عدل و برای محمد حسین فیروز دختر حاج محمد حسن نمازی را گرفت. یکی از دختران خود را به فرزند سردار معتقد و دیگری را به فرزند ظهیرالملک رئیس و دیپلومی را به فرزند مستقیم السلطنه داد. همه از دواج‌ها براساس معاسات و با توجه به جهتی بود که فرزندها مطابق معمول در همه شئون زندگی و کارهایش به عمل می‌آورد.